

تتبع ونگارش با استفاده از مقالات علمی  
و فشرده یاداشت هاز مطالعات روزمره

# تمدن چیست

## بخش دوم

تشریح شباهت ها و تفاوت ها بین  
تمدن های جذاب اولیه

-[10]-

تمدن باستان در سرزمینهای اطراف دریای مدیترانه شکوفا شد. که هرکدام از آنها دیدگاههای متمایز خود را در مورد جنبه های اجتماعی، سیاسی و مذهبی داشتند. اما، هر تمدن بسیاری شباهتهای را با دیگران به اشتراک گذاشته بود. **بین النهرین** و **مصر** باستان جوامع اسطوره ای بودند، در حالی که **یونان** باستان و جامعه **یهود** در طرز فکر؛ آنها بسیاری منطقی تر بودند. از طریق این مقاله به تشریح شباهت ها و همچنین تفاوت های این تمدن های جذاب اولیه می پردازیم.

تقریباً « 5000 » تمدن پیش از میلاد از بی نظمی در بین النهرین، منطقه مدیترانه ای و عراق برخاست، و آنچه را که مسلماً نخستین نمونه تمدن بشری است، شکل داد. این رودخانه در سواحل رود **دجله** - **فرات** که توسط یک قبیله معروف به **سوماریان** شکل گرفته است، صعود کرد. آنها مجموعه ای از جوامع مستقر در بخش کشاورزی بودند، که برای سهولت در سختی کشاورزی، به طور هماهنگی هماهنگ بودند. منطقه جدا شده و عدم درک جهان پیرامون آنها، تفکر اسطوره ای (mythopoeic) را امکان پذیر ساخته است. منطقه بین النهرین یک منطقه غیرقابل پیش بینی بود. **دجله** و **فرات** به طور غیرمنتظره ای سیل افراست،

یعنی که اکثراً در این دریا ها سیل می آید و اغلب اوقات کاملاً به تخریب می پردازد . یعنی که مخرب است . مانند جوامع اسطوره ای به طور کلی تفکر آنها چرخه ای یا متلون بود یعنی که نظرات آنها کاملاً ذهنی بود، زیرا همه چیز را به خود مربوط می کردند. آنها مفهومی از جدایی طلبی نداشتند ، آنچه که می دیدند واقعی بود و هیچ فرقی با خارج از خودشان نداشتند .

**سامانه رودخانه‌ای دجله و فرات** به مجموعه **رودهای دجله و فرات** و کلیه آبراه‌های فرعی این دو رود اطلاق می‌شود. این سامانه رودی مساحتی حدود ۳۵/۶۰۰ کیلومتر مربع را در بر گرفته‌است و اصلی‌ترین سیستم رودخانه‌ای **غرب آسیا** است. رودهای این سامانه از **سرزمین کوهستانی ارمنستان** در شرق **ترکیه** سرچشمه گرفته و با گذشتن از **سوریه** و **عراق** به **خلیج فارس** می‌ریزند. این سامانه بخشی از **ناحیه بوم‌شناختی دیرینه‌قطنی دجله-فرات** است که عراق و بخش‌هایی از ترکیه، سوریه، **ایران**، **عربستان سعودی**، **کویت** و **اردن** را در بر می‌گیرد.

این منطقه از نظر تاریخی به عنوان بخشی از **هلال حاصل‌خیز** اهمیت دارد و اعتقاد بر این است که تمدن برای نخستین بار در این منطقه پدیدار شده‌است.



آنها مردم مضطرب بودند ؛ آنها در اندیشه و فکر از زندگی خود نبودند و با هر رویداد جدید نمیتوانستند به ترتیب زندگی خود پیش بینی کنند ؛ آنها هیچ الگوی برای زندگی کردن خود نداشتند تا برویت آن زندگی خود را سروصورت بدهند ؛ بنا براین آنها معمولاً از یک رخداد ( واقعه ) به رخداد دیگر در جنگ و ستیز و مبارزه بودند ؛ ایمان و یا باور خود را به خدا یا ن خود مبنای ایجاد زندگی روزمرگی شان قرار میدادند ؛ آداب ؛ رسوم ؛ ثبات و پیروی شان از خدایان

شان هر روز ظلوع خورشید را بوجود می آورد و هرگونه شرایط امیدوارکننده را بوجود می آورد.

بین النهرین با ستان متشکل از ایالت های بسیار منظم و مستقل بود که هر یک توسط یک پادشاه فانی انتخاب شده توسط خدا یا ن اداره می شد، منظره ای که مشاهده خواهید کرد با مصریان باستان کاملاً متفاوت است. به دلیل تنوع قومی و فرهنگی منطقه، ایالت های شهر از یکدیگر مستقل بودند و رقابت های مداوم به وجود می آمد. آنها یک تمدن پراکنده و منحل شده بودند، وقتی به دستگاه خودشان واگذار شدند یعنی که خودشان دسترسی پیدا کردند. با این وجود، در دوران باستان، ایالت های مختلف شهر قدرت و نفوذ کافی را برای تسخیر کل منطقه به دست می آورند. قشرهای فتح شده خدای فاتح خود را به عهده می گیرند و خودشان را سرکوب می کنند. این برای همه صادق بود اما آشوریان... وقتی آنها فتح کردند، خدای خود را حفظ کردند، و مشروعیت دیگران را نادیده گرفتند.

این امر زمینه را برای دیدگاه جامع یهود باستان در مورد الهی فراهم کرد. پادشاه به همراه بزرگان و کاهنان اکثریت زمین را کنترل می کردند که توسط بردگان آنها کار می شدند. در این جامعه سفت و سخت، جایی برای پرش طبقه اجتماعی نبود. اصلی ترین جنبه جالب سیستم سیاسی آنها مفهوم پاسخگویی بود. پادشاه بازتاب مستقیم خدای آنها بر روی زمین در نظر گرفته می شد. این وظیفه او بود که ببیند خدا شادان نگه داشته می شود. اگر دولت شهر رنج می برد، به نظر می رسید که پادشاهان به انجام وظیفه خود عمل نمی کنند. و او را می توان حذف کرد. مفهوم دولت محدود با یونان باستان به اشتراک گذاشته شد، گرچه در یک زمینه اسطوره ای نبود.

ساختار مذهبی بین النهرین شبیه به مصر بود زیرا کاهنان حرفه ای را استخدام می کردند که در معا بد خود مراسم را تسهیل می کردند. کشیش، در هر دو زمینه سیاسی و اقتصادی قدرتمند و تأثیرگذار بود. آنها همچنین صاحبان ارشد زمین در منطقه بودند. آنها به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند، با این حال به عنوان مکانی بد بخت از آب درآمد. که منعکس کننده ایده کلی آنها در مورد دنیای هرج و مرج بود.

به دلیل عدم سازماندهی آنها بین النهرین متحمل تحولات سیاسی بسیاری در طول تاریخ خود شد. سومارها توسط اکدیانی «کلدانی ها»، آکادیانی ها توسط بابلیانی ها که توسط آشوریان فتح شده بودند، فتح شدند یعنی مغلوب شدند، که سرانجام فقط برای بازسازی مجدد سقوط

کردند تا دوباره به دست بابلی ها درآمدند. ایران (اریانای باستان) منطقه را در تاریخ (539) قبل از میلاد فتح کرد و یک بار برای همیشه متحد شد.

بروز تضاد در بین النهرین موجب مساعد شدن زمینه برای ایجاد تمدن در مصر شد از اینکه این تمدن کمی بعد در سواحل دریای نیل پدید آمد و از نقطه نظر مقایسه با تمدن بین النهرین میتوان گفت که از نظر نگارش، تمدن نوپای مصریان تفاوت های عمده ای با تمدن بین النهرین داشت مثلاً رود نیل تقابل تندی با دجله و فرات داشت چونکه دجله بگونه غیر قابل پیش بینی دریای سیل خیز بوده و اکثراً با سیلاهای خود توأم با تخریبات بود حالانکه دریای «نیل» آرام و قابل پیش بینی است که لحن این تمدن را رقم زده است یعنی برخلاف هرج و مرج و نامطمین بین النهرین. زمانی مصر، بر حسب اندیشه مصری ها مفهوم مصری ها یک چرخه قابل پیش بینی بود این پیش بینی در ذهنیت کل تمدن به وجود آمده است، به این ترتیب که هدف آنها حفظ این چرخه از وقایع قابل پیش بینی بود. آنها نیل را تولد دوباره زندگی و طلوع خورشید به عنوان تولد دوباره روزانه خود می دیدند. در حدود اواسط قرن «15» قبل از میلاد، تفکر عقلانی آغاز شد که منجر به تغییر در تمدن خواهد شد.

مصر در زمان وجود خود در درجه اول متحد بود، که توسط یک پادشاه (فرعون) اداره می شد، که این پادشاه یعنی فرعون نه تنها که توسط خدایان انتخاب می شد، بلکه خود یک خدای زنده بود. این دیدگاه، البته که با دیدگاه های موجود در بین النهرین کاملاً در تضاد بود. مذهب آنها شبیه به بین النهرین در زمان آن بود، که گاهنان عبادت خدا یا ن مختلف را کنترل می کردند. هر خدای فرقه و پیروان خاص خود را داشت که خدای اصلی آن **امان-ره** (Aman-Ra = آمون) (همچنین آمون، آمون، آمنه) خدای باستانی مصر و خورشید و هوا است. او یکی از مهمترین خدایان مصر باستان است که در ابتدای دوره پادشاهی جدید در طیب قوت گرفت و در اواخر دوره پادشاهی جدید (درگذشت 1069-1570 پیش از میلاد). او معمولاً به عنوان یک ریش پوشیده شده با پوشیدن روسری با یک ستون دوتایی یا بعد از پادشاهی جدید به عنوان یک مرد قوچ یا به راحتی یک قوچ به تصویر کشیده می شود و نمادی از باروری در نقش خود به عنوان آمون-مین است. نام او به معنای "پنهان"، "نا مرئی"، "اسرار آمیز شکل" است و برخلاف اکثر خدایان مصری، او پروردگار همه به حساب می آمد که شامل همه جنبه های آفرینش است. .... **تفصیل توسط این قلم** ) { بود فرقه **امان-ره** توسط **فرعون** رهبری می شد، که تجسم زنده ای از خدای خورشید بود. آنها معتقد بودند که روح جاودانه است و زندگی در این جهان صرفاً آمادگی برای آن در آینده است. آنها همچنین فکر می کردند که می

توانند اموال دنیوی و برده های خود را با خود به همراه آورند. بدیهی است که این فقط در مورد اشراف اعمال می شود. مصر باستان به سه دوره اصلی تقسیم می شد: پادشاهی های قدیمی، میانه و جدید. هر کدام چشم انداز متمایز خود را نسبت به جهان به طور کلی داشتند.

**پادشاهی کهن**، یکی از اندیشه های جزلایتجزی، نابرابری گسترده ثروت و ساختن بناهای بزرگ بود. در این دوره یا زمان قدرت فرعونیان در عمل و در مفهوم. مطلق بود کل تمدن بر هر فرعون خاص متمرکز شده بود. در این دوره اهرام ساخته شد تا به عنوان بنای تاریخی برای فرعون مربوط به آنها خدمت کنند. هنگامی که یک فرعون به قدرت می رسد، بلافاصله گروهی را به ساخت محل استراحت خود را که به راحتی می تواند طولانی تر از عمر او باشد، مأمور میساخت. این کارزار گسترده ساختمان سازی، هرچند حتی امروز چشمگیر است اما تقریباً با گذشت زمان کل تمدن را ورشکست کرد، و منابع و نیروی انسانی زیادی را نیز صرف کرد. طرز فکر در این دوره متکی به فردیت، یا هستی گرایانه است. که با تمام تمدنهای اولیه، که در درجه اول ارگانیک بودند، به شدت در تضاد بودند، هرچند که آنها نیز به یک فرهنگ ارگانیک تبدیل می شوند. دیدگاه جهانی این دوره انزواطلبی بود، آنها تصور نمی کردند که می توانند به هر تمدن زود هنگام دیگر سقوط کنند، و هیچ تمایلی برای گسترش نداشتند.

**پادشاهی میانه** یکی از تغییرات تدریجی بود. طرز فکر ارگانیک تر شد و منظره فرعون به چوپانی که گله او را هدایت می کند، تبدیل شد و با حمل کارمندان چوپان توسط فرعون نشان داده شد. این تلاش، توسط فرعون، برای دسترسی بیشتر به سوژه های او بود. حرکت به سمت مفهوم پادشاهی، گرچه واقعاً هیچ کدام وجود نداشت. در این دوره با افزایش قدرت در بین کاهنان، فرقه های بزرگتر نیز رقابت ایجاد شد. این امر برای فرعونیان پادشاهی جدید دشواری های بزرگی ایجاد می کند. آنها همچنین به دنبال پایان این دوره به فراتر از مرزهای خود، به سرزمینهای اطراف خود نگاه کردند.

**پادشاهی جدید** یکی از تغییرات اساسی بود. فرعونیان دائماً در تلاش بودند تا قدرت خود را از کاهنان حفظ کنند، که سعی در تقویت موقعیت خود داشتند. این امر باعث آشفته گی زیادی در درون رهبری و یک جنگ مداوم شد.

این دوره همچنین یکی از گسترش های گسترده بود. ساکنان پادشاهی جدید ایده امپراتوری را به عنوان یک مأموریت توسعه دادند. مأموریت؟ برای گسترش تمدن به غیر متمایز، مفهومی که تا به امروز باقی مانده است... برای این منظور آنها بسیار موفق بودند. آنها برخلاف اکثر تمدن‌ها، توانستند از زون فوبی (بیگانه پرستی) جدا شوند و رده های اداری خود را بدون در نظر گرفتن منشاء ملی خود، با مجرب ترین افراد پرکنند. یک سیستم مبتنی بر شایستگی تحول جدیدی بود که هنوز در منطقه مدیترانه دیده نشده بود. در دوران قوانین **آمنهوپه** (آمنهوتپ یکم یا آمنوفیس یکم دومین فرعون دودمان هجدهم مصر مصر باستان بود که میان سال های (۱۵۲۶ تا ۱۵۰۶) پیش از میلاد مسیح فرما نروایی می کرد. او فرزند و جانشین اهمسه یکم و شهبانو نفرتاری بود ولی حداقل دو برادر بزرگتر از خود به نام های اهمسه آنخ و اهمسه ساپیر داشت و از این روشا نسی برای بر تخت نشستن پیدا نمی کرد. با این حال در دوره زمانی هشت ساله میان (۱۷ امین) سال پادشاهی اهمسه یکم و مرگش، ولی عهد او می میرد و آمنهوتپ ولی عهد بعدی می شود. او سپس بر تخت می نشیند و برای (۲۱) سال پادشاهی می کند. **...ازویکی** **پیدا** (و پدرش، مصر دوره ای مشا به با دوران رنسانس اروپا در آزادی بیان هنر را تجربه کرد. علاوه بر این، مفهوم یک توحید اساسی به طور خلاصه به وجود آمد، که ممکن است بخشی از زمینه های اصلی برای مفهوم یهودای یک خدای را فراهم کند. توسعه این مفهوم در مصر یک تلاش سیاسی برای از بین بردن کنترل کاهنان به طور فزاینده بود. این تحولات به سرعت با مرگ **آمنهوپه** تسخیر شد، گرچه مفا هم در ذهن مردم و پیروان فرقه آمین زندگی می کردند.

مصر بسیاری از صفات مشا به بین النهرین را تجربه کرد، دین آنها کاملاً مشا به بود به این دلیل که هیچ جدائی بین خدا یا ن و زندگی روزانه وجود نداشت. علاوه بر این، گرچه آرام تر و قابل پیش بینی تر بودند، مفهوم زمان آنها به همان اندازه چرخه ای شبیه به بین النهرین بود. با این حال، حاکمان مصر هرگز نسبت به تصمیمات شان پاسخگو واقعی نبودند، و حکومت آنها دلخواه بود.

تمدن **یهود** یکی (یکتا پرستی) بود که قالب را در بسیاری از مناطق شکست... آنها مفهومی کاملاً جدید از زمان، دین را توسعه دادند و تعریف جدیدی را برای پاسخگویی به ارمان آوردند. آنها همچنین هرگز تلاش نکردند که آرمانهای خود را در همسایگان اطراف خود گسترش دهند.

**یهودیت** واقع در شمال بین النهرین ، بسیار کوچک بود. این به دلیل اعتقاد آنها که انتخاب از طرف خدا است که برای انجام برنامه بزرگ خود انتخاب کردند. یک ایده افسانه ای و عقلی به طور همزمان. این اسطوره بود که فرهنگ آنها را تعریف می کرد ، و به آنها اجازه می داد تا تنها تمدن باستان برای زنده ماندن تا دوران مدرن ، در واقع تا امروز باشند.

سرنوشت یک اصل عملی است یعنی آنها معتقد بودند که همه خواست خداوند است ، منظور این است که همه وجود دارند و هیچ چیز نمی تواند یا مانع این نتیجه خواهد شد. آنها معتقد بودند که حرکت آنها به موقع به سرانجام می است که خدا در آینده اعلام کرده است. این مفهوم زمان خطی یک تحول کاملاً جدید و یک نتیجه مستقیم از اسطوره خدای آنها بود. آنها فلسفه کلامی تاریخ و تفسیرها را توسعه دادند که بیش از (2500) سال پیش توسعه یافت و تا قرن « 18 » هجری ادامه یافت. مذهب آنها چهار عقیده اساسی داشت: **1.** اعتقاد به حقیقت مطلق. **2.** حقیقت وحی الهی از جانب خداوند است. **3.** همه در طول تاریخ معنا دار و هدفمند است ، که تجربه انسان بخشی از الگوی الهی برای جهان است. **4.** این تجربه انسانی ، تاریخ ، به انتهای نهایی و هدفمند منجر می شود ، یعنی سفر به کشف اخلاق نهایی و نجات معنوی بشر.

سیاست یهود نیز آزمایش جدیدی بود. آنها دیدگاه جالبی از پاسخگویی داشتند ... هر (50) سال یکبار پادشاهان ملغی می شوند و هیچ توافق نامه ای ماندگاری ندارد. آنها از قانون حمورابی پیروی کردند که قدرت مستقیم پادشاهان را محدود کرد. کل تمدن مبتنی بر مفهوم اخلاق بود. اخلاق جوهر زندگی انسان و هدف نهایی تجربیات بشری است. حضرت اسیلکیل این قضیه را یک قدم جلوتر برداشت و گفت؛ فرد وظیفه دارد با درک مسئولیت اخلاقی رفتار کند.

آنها یک خدا داشتند. مفهوم آنها از توحید واقعی نخستین در نوع خود بود. آنها یک خدا داشتند کاملاً از زندگی روزمره جدا ، یک مفهوم انتزاعی از یک خدای جدا از این جهان. این مفهوم کاملاً متفاوت از سایر تمدنهای باستانی بود و اساس اساسی اکثر مذاهب برای عصر مدرن خواهد بود.

معلومات چندی در مورد اسیلکیل (Ezyckci)



مقبره حزقیال در روستای کفل عراق

**حزقیال (عبری: יחזקאל** به معنی خداوند نیرومندی می‌بخشد)، کاهنی از خانواده صادوق<sup>[۱]</sup> و از پیامبران بنی اسرائیل<sup>[۲]</sup> بود.

حزقیال در سال ۶۲۷ قبل از میلاد ولادت یافت،<sup>[۳]</sup> و در سن سی‌سالگی، کاهن اورشلیم شد. حزقیال ازدواج کرد<sup>[۴]</sup> و در تل ابیب در نزدیکی نیبور بابل<sup>[۵]</sup> و در منزل شخصی خودش<sup>[۶]</sup> زندگی می‌کرد، و مشایخ یهود با او مشورت می‌کردند.<sup>[۷]</sup> زن حزقیال در زمان کاهنی وی به‌طور ناگهانی درگذشت<sup>[۸]</sup> ولی خدا حزقیال را از عزاداری منع کرد.<sup>[۹]</sup> او به سال ۵۹۲ قبل از میلاد، به پیغمبری بنی اسرائیل رسید،<sup>[۱۰]</sup> و بیست و دو سال بنی اسرائیل را از بت پرستی بازداشت<sup>[۱۱]</sup> و به سوی خدا دعوت می‌کرد. در ابتدا بنی اسرائیل تحت تأثیر او قرار نمی‌گرفتند<sup>[۱۲]</sup> تا این که سرانجام با شکسته شدن بت‌ها<sup>[۱۳]</sup> به خدای یگانه روی آوردند.<sup>[۱۴]</sup> او ایبهود (عبری: אבא של יהודים به معنی پدر یهود)، پسر انسان (عبری: ילד של איש) و تسلی‌دهنده اسرائیل (عبری: עמת) نامیده شده است.<sup>[۱۵]</sup>

در زمان حمله بابلی‌ها، حزقیال در بابل سکونت داشت<sup>[۱۶]</sup> و بعد از محاصره اورشلیم در سال هشتم پادشاهی نبوکدنصر همراه با یهویاکین به اسارت برده شد.<sup>[۱۷]</sup> او پیامبری بود که داوری بر هفت قوم آمون، موآب، فلسطین، صور، صیدون و مصر را اعلام کرد.<sup>[۱۸]</sup> کتاب نبوتی حزقیال شعرگونه است، و در آن وزن و آهنگ وجود دارد. این کتاب شامل چهار رؤیا<sup>[۱۹]</sup> و پنج پیغام اصلی است که به شکل مثل ارائه شده است.<sup>[۲۰]</sup> کتاب حزقیال تأثیر زیادی بر روی جنبشهای عرفانی یهودی داشته است. بسیاری پیروان عرفان مرکابا و بعداً کابالا به رؤیای حزقیال توجه خاصی داشتند و اعتقاد داشتند که رمز خلقت در کتاب حزقیال نهفته است. پیروان عرفان مرکابا تلاش داشتند که رؤیای حزقیال و دیدن عرش خداوند را تجربه کنند. در رؤیا حزقیال دید که عرش خدا توسط چهار حیوت (عبری: חיות) (موجودات زنده) حمل می‌شود که هر یک



دارای چهار بال و صورت مرد، شیر، گاو و عقاب است. کابالا ارتباطی بین رؤیای حزقیال و چهار دنیا در کابالا برقرار می‌کند. حزقیال در روستای کفل در بین‌النهرین مدفون شد. یهودیان و مسلمانان عراق قبر او را زیارت می‌کنند. قبر دیگری منسوب به وی نیز در ایران و در شهر دزفول قرار دارد که اهالی این شهر به آن با حزقیل می‌گویند و مردم برای زیارت به آنجا می‌روند.

یونانیان باستان، مانند قوم یهود، در درجه اول در عقاید خود منطقی بودند؛ اگرچه در مفهوم آنها از زمان نیست. آنها چرخه‌ای و سکولار بودند. یونان باستان، مانند بین‌النهرین باستان، مجموعه‌ای از کشورها بود. گرچه برخلاف بین‌النهرین، عامل وحدت زبان بود. همه دولت‌های یونان باستان یونانی صحبت می‌کردند. همه دیگران بلندگوهای بربر بودند بنا بر این وحشی بودند. آنها یک قوم بیگانه بودند که تنها در جریان بحران حمله از بربرها متحد می‌شدند. هیچ "من" در "ما" برای آنها وجود نداشت. آنها از طریق و از طریق یک قشر ارگانیک بودند. خدمات عمومی از همه اهمیت برخوردار بود، منافع دولت اولویت اصلی شهروندان یونان بود.

آنها به بهترین وجه اداره می‌شدند، آنها اشرافی داشتند. اگرچه از (750-550) پیش از میلاد آنها در واقع الیگارشی بودند، یعنی برای منافع شخصی حکومت می‌کردند. آنها برای اعضای الیگارشی مجامع داشتند و یا اجماع می‌کردند، تا سال (550) پس از میلاد که در آن زمان، انقلاب منجر به ظلم و ستم شد. این حکام تلاش کردند تا با ایجاد اتحاد با مردم عادی حکومت را از الیگارشی دور نگه دارند. این پایه و اساس قرن بعد در سیاست یونان باستان، پایه و اساس دموکراسی، یا دولت فراگیر بود.

ایالت‌های شهر مجبور شدند قطعه‌ای را برای فاصله بین اسپارت و آتن به وجود آورند و منجر به اتحادهای عمومی در سراسر منطقه شدند. یکی از محدود بیعت‌های یک‌جانبه بی طرف برای منطقه، در طول حمله به پارس بود. من حدس می‌زنم که ترس از بیگانه‌ها (Xenophobia) می‌تواند یک واحد بزرگ باشد یا که موجب وحدت شود. با اخراج ایران (اریانای باستان)، وحدت دوام نیاورد.

در (508) پیش از میلاد ستون فقرات دموکراسی آتنی‌ها گذاشته شد. مجامع اسامبله‌ها برای طبقات پایین جامعه با زشد و حقوق یا حق گفت و شنود برای همه شهروندان گسترش می‌یافت یعنی افرادی که دارای زمین بودند. این اولین نمونه از دموکراسی در جهان است. نه دموکراسی

به معنای مدرن، بلکه دموکراسی، با چیزی کم اهمیت. دولت به یک دموکراسی مستقیم همه شهروندان تبدیل شد. قطب اصلی کلمه سیاست است. سیاست: از جا معه. ایده آنها در مورد سیاست همه شهروندان را درگیر کرد، که همه شهروندان سیاستمدار بودند. هر شخصی که از نظر شهروندی فاقد شرایط بود، او مردود بود، احمق تلقی میشد. این یک دموکراسی مستقیم بود، در حالی که هر شهروند شخصاً به دولت خدمت می کرد، نمایندگانی وجود نداشت.

آنها پنج اصل اساسی داشتند: **1.** رضایت شما، شما موافقت کردید که در سن 18 سالگی به صفوف شهروندان بپیوندید. **2.** انتظار. چرا آینده خود را به دیگران واگذار می کنید؟ **3.** قدرت محدود دولت. کابینه سالانه با قرعه کشی انتخاب می شد. **4.** قاعده قانون. دو نوع: حقوق طبیعی ارزشهای اخلاقی و قانون مدنی - قوانین واقعی که دولت با آن اداره می شد. **5.** برابری سیاسی به عنوان دسترسی مساوی همه شهروندان برای مشارکت کامل.

یونانیان باستان قومی بودند که برای تمرین بسیاری از مفاهیم اساسی حکومتی که امروزه در آن صادق هستند، پیشرفت کردند. آنها بسیار متفاوت از سایر تمدنهای باستانی در عرصه سیاسی بودند، گرچه مفهوم زمان آنها شبیه به مصریان و بین النهرین بود. شهروندی دین دیگری نداشت که سیاست آنها باشد، اگرچه متد اولان از دین مشترک پیروی می کردند.

در پایان، این چهار تمدن شباهتهای اساسی بسیاری داشتند. اگرچه آنها همچنین تفاوتهای واضحی را نشان دادند. هر یک از این تمدن ها به شیوه منحصر به فرد خود از دوران مدرن تأثیر پذیرفته اند.

----- **با تقدیم سلامها « 2020-01-26 »**

## تمدن چیست

بخش سوم در مقاله آینده

